

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملالی موسی نظام

۷ اکتوبر، ۲۰۰۸

وحدت ملی یگانه وسیله استقرار سیاسی

و صلح در افغانستان!!

نگاهی به سخن پردازی های ضد و نقیض آقای دا دجو

آقای ویس ناصری با استدلال حقوقی حفظ وحدت ملی موافق نمیباشد

سایت انترنتی آزمون ملی که به مدیریت محترم ویس ناصری فعالیت مطبوعاتی دارد، قسمتی از مضمون اینجانب را نشر نموده است که نه تنها از جانب من به آنصورت ارسال نگردیده است، بلکه از لحاظ عدم مراعات اصول قواعد مطبوعاتی و اصل امانت داری و پامال کردن آزادی های فکر و بیان، کاملاً تحریف گردیده است. عنوان این مضمون که متن آن بصورت ناقص با اغلاط بیشمار در تنظیم و ترتیب جملات، حذف قسمت هایی از جملات و موجودیت بیجا و غیر ضروری قوسین و غیره اصول نوشتن، معجون افلاطونی را برای مطالعه و دید خوانندگان سایت ارائه نموده است، «وحدت ملی و ترویج اصطلاح افغانستانی» میباشد که آقای ناصری، نسخه دوسال قبل آن را با تحریف زیاد، از منبعی بدست آورده و با کتمان «علت» نشر و حذف قسمت اصلی. مضمون که جای افسوس و ناباوری است، به نشر سپرده است. خوانندگان محترم یقیناً به این نظر هستند که دسترس و اختیار داشتن به وسایل ارتباط جمعی، آزادی بی حد و حصر را برای گردانندگان آن وسائل ممکن و میسر نمیسازد، بلکه اختیارات صاحبان این وسائل هم در چوکات قانونیت، مراعات آزادی های فردی، احترام به امانت داری، مراعات عفت قلم، در حفظ استعمال مضامین، نوشته ها، گفتار و تبارز افکار و نظریات، محدود و وابسته به نورم و اصول سنجیده و اخلاقی مطبوعاتی میباشد.

قضیه ازینجا آغاز گشت که در ماه جولای سال جاری، هموطنی بنام آقای منیر احمد داد جو بر مضمون اینجانب تحت عنوان «وزیر خارجه پولند، احساسات (۱) یا مداخله» انتقاداتی داشتند و بگفته خودشان بصورت «عجولانه» سؤالاتی را هم پیشکش نمودند که اینجانب با ارائه جواب قسمت اول انتقادات، به جواب شان پرداختم که در همان سایت «آزمون ملی» به نشر رسید. ایشان ضمناً این قلم را به ناسیونالیست (!؟) بودن و داشتن افکار فاشیستی «؟» هم متهم نموده بودند، چنانچه ادعا داشتند که در همان مضمون باید من بر وزیر خارجه پولند انتقاد نمی نمودم که محکمه گلد بین حکمتیار را از حکومت کابل در مورد دوست وی که در سالهای هشتاد میلادی گویا توسط افراد حکمتیار به قتل رسیده بود درخواست نموده بود. گرچه من از نگاه حقوقی موضوع را استدلال نموده (۲) و بر حاکمیت دولتی ممالک اشاره نمودم و در جواب آقای دادجو هم نوشتنم که نه تنها حکمتیار، بلکه همه جنایتکارانی که شهر زیبایی کابل، پایتخت افغانستان، را بر اهالی بی دفاع آن ویران نمودند و ۶۵ هزار هموطن بیگناه ما را به شهادت رسانیدند «بشمول قهرمان فاجعه قتل عام افشار»، قابل محکمه و مجازات هستند، ولی ایشان هم چنان فاشیست گویی و سفسطه سرایی بدون مدرک و تهمت های بد و ن اثبات را پیشه ساخته و براهی روان اند که هیچ فرد مسؤول و پابند اصول و نورم مطبوعات هرگز عقیده و ایمانی به آن ندارد. سایت آزمون ملی هم که وقتاً فوقتاً به توصیف از حکمتیار و معرفی سایت و راه و روش افکار و نظریات حکمتیار می پردازد، جای تعجب و ناباوری است که مبارزین حقوق بشر و مدافعین حقوق

پامال گشته و ابستگان مقتولین و مجروحین پایتخت و در مجموع باورمندان اعلامیه ارزشمند جهانی حقوق بشر را تابه «فاشیست» بودن میزنند. آفرین به این منطق و قضاوت !!

اینهم مضمون آقای منیر احمد داد جو که به پورتال افغانستان آزاد- آزاد افغانستان منتشر گردیدا ست:

«جوابیه نیست ، تجدید اخلاص و ارادت است!»

گرداننده معظم افغانستان آزاد ! به شما و به نویسنده بزرگ و داستان پرداز برجسته خانم ملالی موسی ، سلام میرسانم و عید فطر را تهنیت میگویم . خانم ملالی موسی نظام ر پاسخ دوم شان قسماً چیز های را به من نسبت داده اند که من هرگز نگفته ام . من از ترکیب افغانستانی ، خوشم نمی آید . قبلاً نیز من هرگز از جنگ سالار ، مرحوم احمد شاه مسعود ، دفاع نکرده ام ، فقط گفته ام اگر یک دولت مستعمراتی ، کسی را قهرمان گفت ، نباید مایه نگرانی بیش از حد باشد، مرحوم ببرک کارمل هم برای عده ای ، قهرمان است!

دفاع خانم جويا از جنگ سالار منفور و بیوطن ، گلب الدین حکمتیار (که یک تبهکار بین المللی است) غیر قابل توجیه است ، ایشان گاه دچار حالات ناسیونالیستی شدید میشوند!

دیوار کشی و نهادن سیم خاردار ، میان فارسی ایران و فارسی افغانستان ، اتلاف وقت است ، باید ایرانی ، زبان فارسی کابل و بلخ را بداند تا از نشریه و خطابه یک افغان ، استفاده کرده بتواند ، ما هم باید زبان تهران و شیراز را بدانیم تا از کتب منتشره ایران ، استفاده کنیم . خوشبختانه از نثر شیوا و شیرین خانم موسی هم ایرانی ، لذت میبرد هم افغان هموطن!

ها نفرت بیگران جامعه افغان علیه دولت پوشالی و فاشیست ایران را به زبان فارسی دری و مفاخر بعضی مشترک تاریخی دو ملت ، سرایت داده اند که بسیار نا عادلانه است و یک تجارت سیاسی ، بیش نیست ! برای خویشاوند و دوست اندیشمند خویش ، خانم موسی نظام ، عمر دراز و تندرستی میخواهم . منیر احمد دادجو»

اینکه آقای دادجو، علی الرغم تشریحات اینجانب در مورد نظر وی بر قهرمانی احمد شاه مسعود جنگ سالار، هنوز هم از تبصره بر وی دست برنمی دارند، کمال ناباوری است. شاید هنوز هم معتقد میباشند که معضله قهرمانی او و قهرمان بودن ملت شریف افغانستان را که عقیده ملت افغان است ، مورد آزمایش قرار دهند. در جواب اولی برای آقای دادجو عرض شد که نکوشند که مذبحخانه ملی گرایان را در لحاف بیمار فاشیزم و ناسیونالیزم بپيچند. اما دیده میشود که در مورد ایشان هر منطق و توضیحی آهن سرد کوبیدن است و بس.

گرچه آقای دادجو دیگران را داستان پرداز مینامند، ولی ایشان با تمام مختصر نویسی، از جملات کوبنده و استعمال لغاتی که اکثراً توهین و تعرض بدون دلیل و سنجش به طرف مقابل ایشان میباشد ، کار میگیرند، از قبیل نامیدن فاشیست، ناسیونالیست و غیره.

در مضمون بالا، ایشان یکی از خاینترین فرزندان مادر وطن را که نه تنها با دو دهه فعالیت و وابستگی و نوکری به سفارت شوروی. وقت، هزاران جوان مظلوم و بی خبر را قبل از کودتای منحوس ثور، شست و شوی مغزی داد و معضله برپادی همیشگی افغانستان را بنیاد گذاشت، "مرحوم ببرک" خطاب مینماید. همین ببرک کارمل، وطنفروش دایم الخمری را که حتی بادران اشغالگرش بر وی رحمی ننموده و با بیرحمی در کانتینیری با حرارت ۱۰۰ درجه در سرحد ترمز، در تنهایی مطلق با رویاهای شیطانی خایانه اش، گذاشتند که کباب گردد! اینکه آقای دادجو آن وطنفروش را شامل "مرحمت الهی" مینماید، جای نابوری و تأثر است!

افسوس که سوابق اشخاص، علی الخصوص آنانی که دهه ها را در خدمت جمعیتیان و شورای نظاریان سپری نموده اند، اجازه نمیدهد که از رویای وابستگی به آنان رهایی یابند وگر نه ایمیلی از آقای ناصری موجود است که مضمون مقدمه کتاب «جنگ های ارواح» ترجمه خانم لیلا رشتیا عنایت سراج را عرض نشر در آزمون ملی تقاضا نموده اند که متن اصلی برایشان ارسال گردید، ولی هرگز چاپ آن صورت نگرفت. همانطور که پیشنهاد ترجمه کتاب بروس ریچاردسن بنام «افغانستان: در جست و جوی حقیقت» برایشان در جواب سؤال اول هم پیشنهاد گردید که جوابی نداشت!!

باری چون در مضمون خود، آقای دادجو نوشته بودند که نظر اینجانب در مورد معتقد نبودن به ترکیب «افغانستانی» از منطق به دور میباشد. منهم برای مطرح نمودن باور خویش در زمینه ، جواب ایشان را طی مضمونی زیر عنوان «بجواب سوال محترم منیر احمد دادجو - پاسخ سوال دوم» در پورتال ملی گرای "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" ارائه نمودم و يك کاپی آنرا توسط ایمیل برای نشر در سایت آزمون ملی عنوانی آقای ویس ناصری فرستادم. اینکه مثل شعبده بازی از يك طرف آقای دادجو «؟!» باز هم خواسته اند که عقاید سیاسی، اجتماعی و بشری اینجانب را با تهمت های بدون اثبات و دور از حقیقت از قبیل ناسیونالیست افراطی و امثالهم در نوشته بالای شان به انتقاد بی محتوی بکشانند و از جانب دیگر آقای ناصری هم بیکار ننشسته و با تفاهم با آقای دادجو، مضمون جوابیه اینجانب را کاملاً در طاق بلند گذاشته و از لایلای اوراق پوسیده و شاید سایت های دیگری مضمون دو سال قبل را که مربوط کنفرانس وحدت ملی بود، « بدون موجب و مقدمه » با تحریفات و گذاشتن قوس ها و علامات نا پسندیده و قطع جملات، آن به نشر سپرده است، جای

افسوس است. ناگفته نباید گذاشت که آقای ویس ناصری در بالای مضمون هم عدم عقیده خویش را بر مضمون وحدت ملی اینجانب چنین اظهارچنین نموده اند:

یاد داشت : بنا بر رعایت اصل آزادی عقیده و بیان، مضمون ذیل بدون آنکه متن و محتوی آن «الزاماً» مورد تأیید مدیر مسئول آزمون ملی باشد، نشر میگردد - اداره سایت.

یعنی که به وضاحت بیان داشته اند که نه به استدلال در مورد عدم استعمال اصطلاح «افغانستانی» معتقد میباشند و نه به تشریحاتی که به اتکا به قانون اساسی، به پشتیبانی از وحدت ملی صورت گرفته است.

نورم و قواعد پسندیده مطبوعاتی حکم مینماید که به پشتیبانی از اصل آزادی بیان و عقیده، ایشان «بدون عجله» قلم خویش را بالای مضمون مکمل نه قیچی و تصرف شده، بصورت واضح، مستند و با ارائه دلائل منطقی، بیان میداشتند، تا خوانندگان هم با بیطرفی و روشن نگری بر هردو نظرو نوشته قضاوت مینمودند.

حال باید پرسید که مضمون کج و معوج منتشره در سایت آزمون ملی که اسم اینجانب به حیث ارسال کننده «؟؟» در آن ذکر گردیده، از کجا و به چه وسیله به دست آقای ویس ناصری افتاده است. ایشان مجبور و مکلف هستند که منبع ارسال این مضمون را به اینجانب تشریح نموده و توضیح نمایند که چرا آنرا آنطور و بصورت مسخره آمیز به نشر سپرده اند!!

آقای ناصری همچنان مکلفیت این را دارند تا در مورد مضمون جوابیه آقای منیر احمد دادجو که اینجانب برای شان ارسال داشتم، توضیحی ارائه بفرمایند. اگر آنرا نخواستند که به نشر بپردازند، مختار اند، ولی در عوض کاملاً قسمت اعظم جوابیه را مکتوم نموده و بقیه را «از جای دیگری» ابتیاع کرده و همانطور که عرض نمودم به نشر سپرده اند، غافل از اینکه جوابیه آقای دادجو ازین قلم، صحیح و سالم در سایت ملی گرا و جهانی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" تحت عنوان «بجواب سؤال محترم منیر احمد دادجو - پاسخ سوال دوم» به تاریخ سی ماه سپتمبر، به نشر رسیده است که من خواندن آنرا به هموطنان عزیز توصیه مینمایم.

در مورد ورود لغات بیمورد فارسی ایران در لسان اصیل دری افغانستان (۳) که مهد این لسان ملی ما میباشد، چون قضاوت و تحلیل جناب منیر احمد دادجو، فرسنگ ها دور از واقعیت های اسف بار جامعه افغانی درین زمینه میباشد، همانطور که وعده نمودم، در آینده نظری و روشنی بر آن، ارائه خواهم نمود.

و من الله توفیق.

نوت:

۱ - مضمون این جانب تحت عنوان «وزیر خارجه پولند، احساسات یا مداخله» را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مطالعه نموده و متوجه میگردید که انتقادات آقای دادجو تا کدام حد یکجانبه و دور از منطق و استدلال حقوقی و حق حاکمیت مشروع دول میباشد. اگر جناب دادجو چیزی از پرنسپ حاکمیت دول نشنیده اند، شاید در استدلال و تهمت فاشیست بودن و ناسیونالیست بودن بر دیگران، هردو ملامت نباشند.

۲ - مضمون جوابیه آقای دادجو تحت عنوان «بجواب مضمون محترم منیر احمد دادجو»، پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" تاریخ نشر پنجم سپتمبر. لطفاً جوابیه را به دقت مطالعه نموده و بر تهمت ها و تعرضات غیر عاقلانه و مغرضانه آقای منیر احمد دادجو که به هیچ استدلالی معتقد نیستند، قضاوت نمائید.

۳ - اگر آقای دادجو در موضوع ورود لغات بی مورد بی مورد فارسی ایران در لسان اصیل افغانستان، عجله دارند، میتوانند از آثار ارزشمند و تحقیقات و مطالعات محترم انجنیر خلیل معروفی در مطبوعات بیرون سرحدی، از قبیل پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، پورتال "افغان جرمن آنالین"، مجله "درد دل افغان"، مجله "آئینه افغانستان" و ده ها تایی دیگر مراجعه نمایند.